

اعمال حاکمیت با روش‌های دموکراسی مستقیم و بررسی آن در مورد جمهوری اسلامی ایران

نویسنده: یعقوب پورعباس*

چکیده: با این که اکثر کشورهایی که شکل دموکراسی را برای اعمال حاکمیت برگزیده‌اند، از دموکراسی غیر مستقیم یا نماینده سالار بهره می‌برند، لیکن نمی‌شود نقش اعمال مستقیم خواست و اراده مردم را که از آنها تحت عنوان سازوکارهای دموکراسی مستقیم یاد می‌شود در چنین رژیم‌هایی از نظر دور داشت؛ روش‌هایی مثل فراندوم، ابتکار عام، بازخوانی و غیره در جمهوری اسلامی ایران نیز که طبق اصول متعدد قانون اساسی، حاکمیت متعلق به مردم است و به اصطلاح شکل دموکراتیک دارد علی‌الاصول اعمال مستقیم اراده مردم باید نقش بسزایی ایفا نماید لیکن با بررسی حقوق اساسی ایران فقط مورد فراندوم (همه‌پرسی) آن هم با شرایط خاص خودش به چشم می‌خورد.

کلید واژه: دموکراسی مستقیم، فراندوم (همه‌پرسی)، ابتکار عام، بازخوانی.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

فهرست مطالب

مقدمه

بخش اول- ابزارهای اعمال دموکراسی مستقیم

بند اول- رفراندوم

بند دوم- ابتکار عام

بند سوم- بازخوانی

بخش دوم- شیوه اعمال دموکراسی مستقیم در جمهوری اسلامی ایران

بند اول- تاریخچه رفراندوم در ایران

بند دوم- موارد اعمال رفراندوم

الف- همه‌پرسی تقنینی

ب- همه‌پرسی سیاسی

ج- همه‌پرسی اساسی

۱- تشخیص ضرورت بازنگری

۲- تصویب مردم

۳- عدم رعایت ذیل اصل ۵۹ در مورد همه‌پرسی بازنگری در قانون اساسی

بند سوم- نظارت شورای نگهبان بر امر همه‌پرسی

بند چهارم- امضای همه‌پرسی

بند پنجم- ممنوعیت انجام همه‌پرسی

نتیجه

مقدمه:

از نیمه دوم قرن بیستم شاهد افزایش قابل توجه اقبال به دموکراسی در کشورهای جهان هستیم بویژه این که در آن زمان بیشتر رقبای دموکراسی مثل فاشیسم، نازیسم و کمونیسم رخت بر بستند و دموکراسی در اذهان عامه مردم جهان به عنوان شیوه برتر اعمال حاکمیت تلقی می‌شود. با این وجود نمی‌شود ادعا کرد که دموکراسی در جهان امروزی کاملاً مستقر شده است؛ چرا که حکومت‌های دموکراتیک، با هر درجه‌ای از دموکراسی، تنها در کمتر از نیمی از کشورهای جهان، که کمتر از نیمی از جمعیت جهان را در برمی‌گیرد، وجود دارند.^۱

با این وجود با توجه با تجربه تاریخی بشر و اشکال مختلف حکومت، می‌توان گفت که دموکراسی شکل حکومتی است که جدا از ماهیت آن، کمترین فساد در آن یافت می‌شود و می‌تواند حامل آرمان‌های مردمی و مطابق خواست انسان‌های امروزی تلقی شود. نخستین مفهومی که از دموکراسی متبادر به ذهن می‌شود، شرکت مردم در تعیین سرنوشت خود می‌باشد. با توجه به نوع شرکت مردم در تعیین سرنوشت خود هم می‌توان انواع گوناگون دموکراسی را از هم جدا ساخت. دموکراسی را می‌توان به سه نوع تقسیم کرد:

الف - دموکراسی مستقیم^۲

رژیمی که همه مردم بطور مستقیم حاکمیت را اعمال کنند و قانونگذاری بطور مستقیم بوسیله مردم اجرا شود و یا دست کم وظایف اصلی حاکمیت را خود به انجام رسانند. برخی اندیشمندان معتقدند این نوع حکومت به معنای عملی هیچ گاه وجود نداشته و اکنون هم وجود ندارد؛ چرا که شرط اساسی گردآمدن مردم وجود جمعیت اندک و ابعاد کوچک جامعه است.^۳ از سوی دیگر بیان می‌شود، با وجود این که رشد ارتباطات سریع امکان مراجعه به همه شهروندان را برای مقاصد محدود و معینی فراهم کرده است، اما تدابیر یا راه‌هایی که برای اعمال دموکراسی مستقیم به کار می‌روند، تداوم دموکراسی مستقیم به شمار نمی‌روند، بلکه هماهنگی‌های جدید هستند برای تأمین نیازمندی‌های تازه و در اصل بدان سبب پذیرفته شده‌اند که از عملکردهای سیستم انتخاباتی، هیأت‌های نمایندگی و احزاب سیاسی نارضایتی وجود داشته است.^۴

^۱ - رابرت دال، درباره دموکراسی، ترجمه حسن فشارکی، تهران، شیرازه، ۱۳۷۹، صفحه ۲.

^۲ - Direct democracy.

^۳ - قاضی، ابوالفضل، حقوق اساسی و نهادهای سیاسی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ هفتم، ۱۳۸۰، ص ۳۷۰.

^۴ - عالم، عبدالرحمن، بنیادهای علم سیاست، تهران، نشر نی، چاپ هشتم، ۱۳۸۰، ص ۳۱۶.

در مقابل، برخی از نظریه‌پردازان چنین استدلال می‌کنند که یک مدل دموکراسی معتبر باید موجبات بیشترین مشارکت مستقیم عامه مردم را فراهم آورد؛ چرا که هدف اخلاقی و اساسی دموکراسی شکوفایی استعداد هر فرد اجتماع است و تنها راه رسیدن به این هدف تشویق همه افراد به مشارکت در اتخاذ تصمیمات دولتی و خصوصی اثر گذار در زندگیشان می‌باشد و برای دستیابی به چنین آرمانی، مشارکت عامه مردم را در هیأت‌های تصمیم‌گیری غیردولتی کوچکتر مانند احزاب سیاسی، اتحادیه‌های کارگری، انجمن‌های محلی، شرکت‌های کوچک، مدارس، مکانها و گروه‌های مذهبی کارکرد دموکراسی می‌دانند و از طرفی اضافه می‌کنند که دموکراسی باید سهم بیشتری از قدرت عمومی را به آن واحدهای دولتی بسپارد که آن قدر کوچک هستند که امکان مشارکت توده‌ای معنی‌دار و مؤثر در تصمیم‌گیری را ایجاد کنند، مثلاً واحدهایی مانند منطقه‌های شهری و محله‌های کوچک در شهرهای بزرگ.^۵

ب: دموکراسی غیر مستقیم یا نماینده سالار^۶

در این نوع رژیم، مردم حاکمیت را بوسیله نمایندگان برگزیده خود اعمال می‌کنند و دیگر لزومی به مداخله مستقیم مردم در امر حاکمیت وجود ندارد. در این نظامها اکثریت آرای مردم است که نمایندگان را انتخاب می‌کند اما از سوی دیگر نمایندگان از سوی همه ملت مأمور به انجام تکالیف خود می‌باشند.^۷

ج- دموکراسی نیمه مستقیم^۸

این نوع رژیمها، حاصل ترکیب دموکراسی مستقیم و غیرمستقیم (نماینده سالار) هستند و حاکمیت هم توسط نمایندگان مردم و هم بطور مستقیم بوسیله خود مردم اعمال می‌شود. در این نظام اصل بر وجود مجلس‌های قانونگذاری برگزیده مردم یا ملت است، اما خود مردم نیز می‌توانند طبق ضابطه‌هایی حق اعمال مستقیم قدرت خود را از راه وتوی مردم، همه‌پرسی، ابتکار عام، یا گزینش‌گری به منصفه ظهور برسانند.

^۵ - آستین رنی، حکومت: آشنایی با علم سیاست، ترجمه لی‌لا سازگار، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، چاپ اول، ۱۳۷۴، ص ۱۶۹.

^۶ - Representative.

^۷ - قاضی، ابوالفضل، همان، ص ۳۷۱.

^۸ - Semi direct.

در این نوشتار بدون در نظر گرفتن اشکال رژیم‌های دموکراتیک به شرح مختصر روش‌های اعمال مستقیم خواست و اراده مردم در چنین نظام‌هایی پرداخته می‌شود (بخش اول) و سپس روش یا روش‌های بکارگیری اراده مستقیم مردم در اعمال حاکمیت یا به عبارتی وجود یا عدم سازوکارهای دموکراسی مستقیم در جمهوری اسلامی ایران مورد بررسی و ارزیابی قرار می‌گیرد (بخش دوم).

بخش اول - ابزارهای اعمال دموکراسی مستقیم

در قوانین اساسی کشورهای مختلفی که به نحوی دموکراسی، در درجات مختلف آن را مورد پذیرش قرار داده‌اند، ابزارها و شیوه‌هایی برای اعمال مستقیم خواست و اراده مردم در موارد خاص مقرر شده است. واقع این است که در حکومت دموکراسی قدرت برتر حاکمیت، مخصوص مردم است و تعیین این که روابط آنان با هیأت حاکمه از چه قرار باشد با آنها است و بارزترین طریق ابراز اراده عمومی مراجعه به آرای عمومی است.^۹

هنگام صحبت از دموکراسی مستقیم، مورد معمول استنادی، سوییس می‌باشد که یک سیستم حکومتی نزدیک به دموکراسی مستقیم دارد. اگر چه سوییس ویژگی‌های دموکراسی نماینده سالار^{۱۱} را حفظ کرده است. (به عنوان مثال پارلمان انتخابی دارد) با این وجود، شکل های گوناگون دموکراسی مستقیم، اغلب در سطح ملی، کانتونها و محلی (کمون‌ها) استفاده می‌شود.^{۱۱}

دموکراسی مستقیم سابقه طولانی در برخی کانتون‌های سوییس دارد، تا جایی که به قرن چهاردهم برمی‌گردد. زمانی که سوییس در سال ۱۸۴۸ یک کشور فدرال شد، ابزارهای دموکراسی مستقیم در سطح ملی نیز عرضه شد. قانون اساسی فدرال، اصل برگزاری رفراندوم اجباری را به منظور تغییر قانون اساسی، همچنین ابتکار عام^{۱۲} را برای بازنگری کامل قانون اساسی معرفی کرده است. امتیازهای بیشتر در مورد رفراندوم در سال ۱۸۷۴ و ابتکار عام برای بازنگری جزئی قانون اساسی در سال ۱۸۹۱، معرفی شدند.^{۱۳}

^۹ - مدنی، جلال‌الدین، حقوق اساسی تطبیقی، تهران، کتابخانه گنج دانش، چاپ اول ۱۳۷۴، ص ۱۵۸.

10 - Representative democracy.

^{۱۱}-Focus on direct democracy, <http://www.Aceproject.Org /Focus on direct democracy/swiss.htm>, p 1.

^{۱۲}- Popular initiative.

^{۱۳}- Focus on direct democracy, op. cit. p 1.

موضوع و حدود دموکراسی مستقیم در کشورهای گوناگون، متفاوت است و ابزارهای مختلفی برای اعمال آن وجود دارد که در زیر بررسی می‌شوند.

بند اول- رفراندوم^{۱۴}

رفراندوم، قدرت مردم در موافقت یا مخالفت با اعمال قانونگذاری است که در اشکال مختلفی بسته به طبیعت قانونی که آن را اعمال می‌کند و غیره قابل اعمال است. رفراندوم می‌تواند در چهار بعد زیر صورت‌بندی شود:

الف - شکل قانونگذاری

۱- قانون اساسی یا اصلاحات قانون اساسی

۲- قوانین عادی

۳- موضوعات مالی

ب - طراح یا طراحان

۱- شهروندان

۲- قانونگذار یا بخشی از آن

۳- قوه مجریه (یعنی رییس یا حاکم کشور)

۴- ایالات (در یک فدراسیون یا کنفدراسیون)

ج - مشورتی^{۱۵} یا الزام‌آور^{۱۶}

د- ارادی یا اجباری

این چهار بعد، امکان ترکیب‌های مختلفی را به وجود می‌آورد، اما برخی از این ترکیب‌ها عام‌تر و مهم‌تر از برخی دیگر هستند.^{۱۷}

وقتی واژه «رفراندوم» به تنهایی به کار می‌رود، معمولاً منظور از آن یک رفراندوم الزام‌آور اجباری در قوانین عادی است. در ایالات متحده آمریکا و سوئیس، این واژه می‌تواند در مفهوم «رفراندوم ابتکاری

14 - The Refrendum.

15- advisory.

16- binding.

17- John F. Knutsen, Direct Democracy, <http://www.basiclaw.net / Principles / Direct %20democracy. htm>, p 1.

شهروندان^{۱۸} نیز به کار رود. این فرآیند همچنین می‌تواند فرآیند درخواستی^{۱۹} نیز نامیده شود؛ چرا که بوسیله یک درخواستی که بوسیله گروهی از شهروندان امضاء شده است، آغاز می‌شود. ولی به نسبت اینکه تعداد امضاها از عدد خاصی فراتر روند، درخواست، به معنی عادی نخواهد بود و برای مقام‌های حکومتی الزام‌آور یا اجباری خواهد بود.^{۲۰} نمونه این امر را می‌توان در سوییس ملاحظه کرد؛ اگر صد هزار نفر (قبل از اصلاح سال ۲۰۰۱ تعداد، پنجاه هزار نفر بود) از رأی‌دهندگان از حکومت یک فرآیند بر روی قانون اساسی فدرال درخواست کنند، حکومت نمی‌تواند امتناع نماید. این تعهد به انجام فرآیند در قانون اساسی تصریح شده است.^{۲۱}

در کشور سوییس انواع فرآیندهای دیگری نیز در سطح فدرال، در قانون اساسی ذکر شده‌اند؛ اولین نوع، فرآیند الزامی^{۲۲} است، فرآیندی که حکومت باید در رابطه با موضوعات مشخص سیاسی مهم برگزار کند، این موارد عبارتند از:

- بازنگری کامل یا جزئی قانون اساسی فدرال؛

- الحاق به یک سازمان برای امنیت دسته جمعی یا یک سازمان فراملی؛

- اعلام قانونگذاری اضطراری فدرال که اعتبارش از یک سال تجاوز می‌کند، بدون نیاز به اصل

قانون اساسی (این قانونگذاری باید در مدت یک سال بعد از اتخاذ بوسیله پارلمان به رأی گذاشته شود) و ...^{۲۳}.

نوع دیگر فرآیند که در سوییس برگزار می‌شود «فرآیند گزینشی»^{۲۴} است که می‌تواند در مورد ایجاد یا اصلاح قوانین فدرال و یا معاهدات بین‌المللی برگزار شود. «فرآیند قانونگذاری گزینشی»^{۲۵} در مورد با تمام قوانین فدرال و قوانین اضطراری فدرال که به خاطر این هستند که بیش از یک سال نافذ بمانند، اجرا می‌شود. «فرآیند گزینشی بر معاهدات بین‌المللی»^{۲۶} در ارتباط با معاهدات بین‌المللی که از لحاظ زمانی نامحدود هستند و ممکن است خاتمه نیابند، و معاهدات بین‌المللی که عضویت در

¹⁸ - a citizen initiated referendum.

¹⁹ - a petition referendum.

²⁰ - John F. Knutsen, op. cit. p.1.

²¹ - Ibid.

²² - mandatory referendum.

²³ - Focus on direct democracy, op. cit. p 1.

²⁴ - Optional referendum.

²⁵ - Optional legislative referendum.

²⁶ - Optional referendum on international treaties.

سازمانهای بین‌المللی را مقرر می‌کنند یا حاوی مقررات قانونی هستند که باید بوسیله تصویب قوانین فدرال، اجرا شوند، برگزار می‌شود.^{۲۷}

در فرانسه، در قانون اساسی جمهوری پنجم، رفراندوم پیش‌بینی شده و به رییس جمهوری اختیار داده شده تا بنا بر پیشنهاد دولت، مقارن اجلاس قوه مقننه یا با تصویب هر دو مجلس اقدام نماید با این ترتیب رییس جمهور در غیاب مجلس نمی‌تواند دست به رفراندوم بزند.^{۲۸}

بند دوم- ابتکار عام^{۲۹}

ابتکار عام معمولاً به مفهوم قدرت مردم در قبول یا رد قانون است که بوسیله هر کسی غیر از قانونگذار ابداع یا طرح می‌شود، ابتکار عام می‌تواند در چهار بعد زیر مشخص شود:

الف- شکل قانونگذاری

۱- قانون اساسی یا اصلاحات قانون اساسی

۲- قوانین عادی و

۳- موضوعات مالی

ب- طراح یا طراحان

۱- شهروندان

۲- ایالات (در سیستم فدرال یا کنفدرال)

ج- مشورتی یا الزام‌آور

د- اختیاری یا اجباری

ه- مستقیم یا غیر مستقیم

شکل معمولی ابتکار عام، ابتکار شهروندان یا رأی‌دهندگان است. ابتکار عام، قانونگذاری است که بوسیله گروهی از شهروندان طی یک درخواست طرح می‌شود. همچون رفراندوم درخواستی، هرگاه درخواست، حاوی حمایت‌های کافی رأی‌دهندگان از طریق امضاء باشد، اجباری و الزام‌آور تلقی خواهد شد.^{۳۰}

^{۲۷}- Focus on direct democracy, op. cit. p 2.

^{۲۸}- مدنی، جلال‌الدین، همان، ص ۱۵۸.

^{۲۹}- Popular initiative.

^{۳۰}- John F. Knutsen, op.cit.p2.

در سویس شهروندان می‌توانند، تصمیمی را در مورد اصلاح هر آنچه از قانون اساسی می‌خواهند طلب کنند، برای چنین ابتکاری باید امضای صد هزار نفر رأی دهندگان در عرض هجده ماه جمع شود. ابتکار عام می‌تواند به عنوان یک طرح کلی تدوین شود یا اغلب اوقات می‌تواند به شکل یک متن جدید مشخصی که عبارتش زیاد نمی‌تواند بوسیله پارلمان تغییر داده شود مطرح شود.^{۳۱}

اغلب، مقامات به چنین ابتکاری با یک طرح متقابل (عموماً با وسعت کمتر) واکنش نشان می‌دهند به این امید که مردم و ایالات آنرا ترجیح دهند.

از سال ۱۹۸۷، در برگه تعرفه‌های ابتکار عام، امکان رأی با دو «بله»^{۳۲} وجود دارد: رأی دهندگان می‌توانند هم ابتکار عام و هم طرح متقابل را تأیید کنند.^{۳۳} موردی که بیشترین رأی را بیاورد تصویب خواهد شد.

در واقع، در سویس، ابتکار عام از دولت یا پارلمان نشأت نمی‌گیرد بلکه خود شهروندان مبدع آن هستند و لذا خود، عامل پیش برنده دموکراسی مستقیم تلقی می‌شوند.^{۳۴}

علاوه بر سویس، در بسیاری از ایالت‌های آمریکا نیز ابتکار عام هم در سطح قانون اساسی و هم قانون عادی مجاز است.^{۳۵}

بند سوم - بازخوانی^{۳۶}

بازخوانی قدرت مردم برای ادار کردن یک مقام عمومی برای برکناری از سمتش است. در بازخوانی، رأی دهندگان حق دارند، هر مقام منتخب یا نماینده را که از انجام صمیمانه یا مسئولانه وظایف باز می‌ماند، باز بخوانند.^{۳۷}

بازخوانی در سطح ایالتی (محلی) در برخی از ایالت‌های آمریکا وجود دارد؛ مثلاً در ایالت اورگان حتی قضاات را می‌توان بازخواند اما در ایالت واشنگتن نمی‌توان این کار را کرد.^{۳۸} در سویس نیز در سطح کانتونها، بازخوانی به چشم می‌خورد.

31- citizens initiative and referendum, [http://www.iniref.org/swiss democracy. Htm](http://www.iniref.org/swiss%20democracy.htm) 1, p1.

32- Double yes vote.

33- citizens initiative and referendum, op.cit.p1.

34- Ibid, p 2.

35- John F. Knutsen, op.cit.p2.

36- The Recall.

بازخوانی می‌تواند در اشکال زیر شکل گیرد:

الف - کاربرد

۱- تمام مقامات عمومی انتخابی یا غیر انتخابی؛

۲- تمامی مقامات بجز قضات؛

۳- تمام مقامات عمومی انتخابی شامل قضات و

۴- تمام مقامات عمومی انتخابی بجز قضات

ب - مستقیم یا غیر مستقیم

واژه درخواست بازخوانی مستقیم^{۳۹}، به معنی درخواستی است که بطور مستقیم به یک انتخابات جدید منجر می‌شود. درخواست غیر مستقیم، تنها زمانی به یک انتخابات جدید منجر می‌شود که درخواست کنندگان موفق شوند در عمل مقام مورد نظر را در رأی‌گیری باز بخوانند.^{۴۰}

در کنار این عنوان‌ها، انواع مختلف دیگری نیز وجود دارد. گاهی، بازخوانی تنها می‌تواند در یک دوره از زمان تصدی یک مقام رسمی اعمال شود، در موارد دیگر مقام رسمی شش ماه تا یکسال معافیت در برابر اقدام بازخوانی جدید کسب می‌کند، و در برخی موارد شکست بازخوانی متضمن انتخابات دوباره برای دوره جدید است.^{۴۱}

بخش دوم - شیوه اعمال دموکراسی مستقیم در جمهوری اسلامی ایران

حکومت ایران جمهوری اسلامی است که ملت ایران، براساس اعتقاد دیرینه‌اش به حکومت حق و عدل قرآن، در پی انقلاب اسلامی پیروزمند خود به رهبری مرجع عالیقدر تقلید آیت الله العظمی امام خمینی (ره)، در همه‌پرسی دهم و یازدهم فروردین ماه یکهزار و سیصد و پنجاه و هشت هجری شمسی به آن رأی مثبت داد.^{۴۲}

لذا، شکل حکومت ایران جمهوری است با محتوای اسلامی؛ یعنی برای آرمانها و احکام مذهبی، قالب جمهوری برگزیده شده است.^{۴۳}

^{۳۹} - direct recall petition.

^{۴۰} - John F. Knutsen, op.cit.p3.

^{۴۱} - Ibid.

^{۴۲} - اصل یکم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.

^{۴۳} - کاتوزیان، ناصر، مبانی حقوق عمومی، تهران، نشر دادگستر، چاپ اول، ۱۳۷۷، ص ۱۰۸.

در این مورد، از یک سو، اصل پنجاه و ششم قانون اساسی، حاکمیت ملی را ملاک قرار می‌دهد و مقرر می‌کند: «حاکمیت مطلق بر جهان و انسان از آن خدا است و هم او انسان را بر سرنوشت اجتماعی خویش حاکم ساخته است. هیچ‌کس نمی‌تواند این حق الهی را از انسان سلب کند یا در خدمت منافع فرد یا گروهی خاص قرار دهد و ملت این حق خداداد را از طرقتی که در اصول بعد می‌آید اعمال می‌کند.»^{۴۴}

بر این اساس، امور کشور باید به اتکای آرای عمومی اداره شود؛ از راه انتخابات: انتخاب رییس جمهور، نمایندگان مجلس شورای اسلامی، اعضای شوراها و نظایر اینها یا از راه همه‌پرسی در مواردی که قانون اساسی معین می‌کند.^{۴۵}

از سوی دیگر، کلیه قوانین و مقررات، باید براساس موازین اسلامی باشد و تشخیص این امر بر عهده فقهای شورای نگهبان خواهد بود.^{۴۶} قوای حاکم، تحت نظر ولایت امر و امامت امت بوده^{۴۷} و انتخاب رییس جمهور موکول به تنفیذ مقام رهبری است^{۴۸} که ولایت امر و همه مسئولیتهای ناشی از آن را بر عهده دارد.^{۴۹}

با توجه به مطالب فوق، می‌توان استدلال کرد که نظام ایران نیز با وجود شکل خاص خودش در بین کشورهای قرار دارد که دموکراسی را مبنای خود قرار داده‌اند. در این میان دموکراسی ایران بیشتر بر مبنای نماینده سالاری است و اعمال مستقیم دموکراسی توسط مردم فقط به صورت همه‌پرسی (رفراندوم) مطرح است و موارد آن نیز در قانون اساسی مقرر شده است که به توضیح آن می‌پردازیم.

بند اول- تاریخچه رفراندوم در ایران

در ایران، در قانون اساسی مشروطیت مراجعه مستقیم به آرای عمومی پیش‌بینی نشده بود، و در هنگامی که در سال ۱۳۳۲ دولت وقت تصمیم به انحلال مجلس از طریق رفراندوم گرفت چنین اقدامی خلاف قانون اساسی تلقی شد.^{۵۰}

^{۴۴}- اصل ششم قانون اساسی.

^{۴۵}- اصل چهارم و همچنین اصول هفتاد و دوم، نود و یکم و نود و ششم.

^{۴۶}- اصل پنجاه و هفتم.

^{۴۷}- اصل یکصد و دهم.

^{۴۸}- اصل یکصد و هفتم.

^{۴۹}- مدنی، جلال الدین، همان، ص ۱۵۸.

بعد از انقلاب اسلامی ایران، اولین رفراندوم در ۱۱ و ۱۲ فروردین ۱۳۵۸، حکومت جمهوری اسلامی را در غیاب قانون اساسی به قضاوت مستقیم مردم واگذار کرد که با ۹۸/۲ درصد آرای به تأیید مردم رسید. بعد از این اقدام بود که «مجلس بررسی نهایی قانون اساسی ایران» (خبیرگان) تشکیل شد و به بررسی و تدوین قانون اساسی پرداخت، براساس لایحه قانونی مصوب ۱۳۵۸/۸/۲۰ شورای انقلاب جمهوری اسلامی ایران که اظهار نظر نهایی نسبت به متن قانون اساسی مصوب مجلس بررسی نهایی را از طریق رأی «آری» یا «نه» بر عهده آحاد ملت مقرر داشته بود، قانون اساسی در روزهای یازدهم و دوازدهم آذر ماه ۱۳۵۸ به همه‌پرسی گذاشته شد و با اکثریت ۱۵۵۷۸۹۵۶ رأی مثبت به تصویب نهایی ملت ایران رسید.^{۵۰}

مورد دیگر مراجعه به آرای عمومی، بازنگری قانون اساسی در سال ۱۳۳۸ بود که بعد از تشکیل و افتتاح «شورای بازنگری قانون اساسی» و انجام بازنگری، در ۱۳۳۸/۵/۶ به آرای عمومی مراجعه شد و بازنگری به تصویب ملت رسید.

بند دوم - موارد اعمال رفراندوم

الف - همه‌پرسی تقنینی

زمانی که امر قانونگذاری به آرای عمومی گذاشته شود، از آن تحت عنوان همه‌پرسی تقنینی یاد می‌شود که بیشتر در مسایل مهم و سرنوشت ساز روی می‌دهد.

در جمهوری اسلامی ایران، قانون اساسی، در اصل پنجاه و نهم مقرر می‌دارد:

«در مسایل بسیار مهم اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی ممکن است اعمال قوه مقننه از راه همه‌پرسی و مراجعه مستقیم به آرای مردم صورت گیرد. درخواست مراجعه به آرای عمومی باید به تصویب دو سوم مجموع نمایندگان مجلس برسد.»

برابر اصل مذکور، همه پرسی تقنینی فقط در صورت بروز مسایل بسیار مهم اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی، صورت می‌گیرد. تشخیص این امر نیز که چه مسایلی مهم هستند بر عهده درخواست کنندگان همه‌پرسی خواهد بود.

در مورد درخواست کنندگان همه‌پرسی تقنینی، اصل مذکور، ساکت است و لذا ماده ۳۶ قانون همه‌پرسی در جمهوری اسلامی ایران، مصوب ۱۳۳۸/۴/۴ مجلس شورای اسلامی، مقرر می‌دارد:

^{۵۰} - هاشمی، محمد، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، اصول و مبانی کلی نظام، نشر میزان، چاپ پنجم، ۱۳۸۲، جلد ۱، ص ۵۸.

«همه‌پرسی به پیشنهاد رییس جمهور یا یکصد نفر از نمایندگان مجلس شورای اسلامی و تصویب حداقل دو سوم نمایندگان مجلس شورای اسلامی انجام خواهد شد».

بر این اساس درخواست کنندگان مراجعه به آرای عمومی، در صورت بروز مسایل بسیار مهم اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی، رییس جمهور یا یکصد نفر از نمایندگان مجلس خواهند بود و غیر از آنها اشخاص یا نهادهای دیگری صلاحیت این امر را دارا نیستند.

در ماده مذکور، با توجه به این که اصل پنجاه و نهم، اعمال قوه مقننه را از طریق همه‌پرسی مقرر می‌کند به نظر می‌رسد، ذکر رییس جمهور به عنوان درخواست کننده همه‌پرسی چندان عادی جلوه نمی‌کند؛ چرا که قانونگذاری در صلاحیت خاص مجلس شورای اسلامی می‌باشد و این اصل نیز در راستای وظایف قوه مقننه، وضع شده است. هر چند می‌توان گفت که رییس جمهور به عنوان عالیترین مقام رسمی کشور پس از رهبری، مسئولیت اجرای قانون اساسی را بر عهده دارد^{۵۱} و از سوی دیگر قوانین را پس از امضاء برای اجرا در اختیار مسوولان می‌گذارد.^{۵۲} همچنین هیأت وزیران که ریاست آن بر عهده رییس جمهور است،^{۵۳} می‌تواند لوایح قانونی به مجلس تقدیم کند.^{۵۴} لذا می‌توان گفت که ذکر رییس جمهور در ماده ۳۶ قانون همه‌پرسی، چندان بی مورد نبوده است.

از طرف دیگر به هر حال، درخواست مراجعه به آرای عمومی باید به تصویب حداقل دو سوم نمایندگان مجلس شورای اسلامی برسد و لذا در صورتی که نمایندگان تشخیص ضرورت امر را ندادند به آن رأی نمی‌دهند. بنابراین همه‌پرسی، دستاویزی برای تضعیف قوه مقننه محسوب نخواهد شد.

ایرادی که بر ماده مذکور وارد است، عدم دخالت مستقیم اراده مردم در درخواست همه‌پرسی است. هر چند می‌توان گفت رییس جمهور و نمایندگان مجلس، نماینده مستقیم مردم محسوب می‌شوند و به صورت غیر مستقیم خواست آنان را مطرح می‌کنند. همچنین لازم به ذکر است که به اعتقاد اکثریت علمای حقوق، شیوه قانونگذاری در مجالس مقننه که گرایشهای پیش اندیشیده‌تر و مستدام‌تر جامعه را بهتر منعکس می‌کند مرجح‌تر از شیوه همه‌پرسی است که اتخاذ تصمیم بر مدار گرایشهای هیجانی، زودگذر و زیر تأثیر نطق و خطابه و روان‌شناسی شتاب آلوده مردم می‌چرخد و فره

^{۵۱}- اصل یکصد و سیزدهم قانون اساسی.

^{۵۲}- اصل یکصد و بیست و سوم قانون اساسی.

^{۵۳}- اصل یکصد و سی و چهارم قانون اساسی.

^{۵۴}- اصل هفتاد و چهارم قانون اساسی.

و محبوبیت مقام سیاسی که موجب همه‌پرسی شده است، علی‌الاصول در نتیجه آن، تأثیر فوق‌العاده‌ای دارد.^{۵۵}

با وجود همه این مسایل، قانون همه‌پرسی یک قانون عادی است و امکان تغییر و اصلاح در آن وجود دارد.

ب- همه‌پرسی سیاسی

زمانی که رئیس کشور برای اتخاذ تصمیمات سیاسی فوق‌العاده با مراجعه به اکثریت آرای مردم، اعتماد آنها را نسبت به خود جلب می‌کند، از این امر تحت عنوان همه‌پرسی سیاسی یاد می‌شود.^{۵۶} در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، هیچ قرینه روشنی دال بر همه‌پرسی سیاسی وجود ندارد. لیکن با توجه به بند سوم اصل یکصد و دهم که فرمان همه‌پرسی را از وظایف و اختیارات رهبری محسوب داشته است بدون اینکه نوع همه‌پرسی را مشخص کند، می‌توان نتیجه گرفت که رهبر علاوه بر همه‌پرسی بازنگری قانون اساسی، می‌تواند برای اتخاذ برخی از تصمیم‌های سیاسی و قانونی خود که با افکار عمومی و مشارکت مردم قابلیت ارتباط بیشتری دارد، از طریق مراجعه به آرای عمومی اعتماد مردم را جلب کند.^{۵۷}

البته در مقابل، می‌توان چنین اظهار داشت که بند سوم اصل یکصد و دهم که فرمان همه‌پرسی را از وظایف و اختیارات رهبری شمرده، در بازنگری سال ۱۳۶۸ تأسیس شد و قبل از آن وجود نداشته و علت تأسیس این بند، بوجود آمدن اصل بازنگری در قانون اساسی در سال ۶۸ است که طبق صریح اصل یکصد و هفتم، رهبر پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام طی حکمی خطاب به رئیس جمهور موارد اصلاح یا متمیم قانون اساسی را به شورای بازنگری قانون اساسی پیشنهاد می‌کند. لذا اطلاق فرمان همه‌پرسی در بند سوم اصل یکصد و دهم به همان اصل یکصد و هفتم یعنی همه‌پرسی بازنگری قانون اساسی برمی‌گردد.

^{۵۵}- قاضی، ابوالفضل، همان، صص ۳۷۳ و ۳۷۴.

^{۵۶}- هاشمی، محمد، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران: حاکمیت و نهادهای سیاسی، تهران، نشر دادگستر، چاپ دوم، ۱۳۷۹، جلد ۲، ص ۱۹.

^{۵۷}- همان، ص ۹.

ج - همه‌پرسی اساسی

زمانی که برای تجدید نظر و اصلاح کلی یا جزئی قانون اساسی به آراء مردم مراجعه شود از آن تحت عنوان همه‌پرسی اساسی یاد می‌شود.

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در مورد بازنگری قانون اساسی نظام خاصی را پیش‌بینی کرده است؛ برابر اصل یکصد و هفتاد و هفتم که در سال ۱۳۶۸ به قانون اساسی اضافه شده، «بازنگری در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، در موارد ضروری به ترتیب زیر صورت می‌گیرد:

مقام رهبری پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام طی حکمی خطاب به رئیس جمهور موارد اصلاح یا متمیم قانون اساسی را به شورای بازنگری قانون اساسی ... پیشنهاد می‌کند ... مصوبات شورا پس از تأیید و امضای مقام رهبری باید از طریق مراجعه به آرای عمومی به تصویب اکثریت مطلق شرکت کنندگان در همه‌پرسی برسد. رعایت ذیل اصل پنجاه و نهم در مورد همه‌پرسی «بازنگری در قانون اساسی» لازم نیست .

با توجه به اصل مذکور مراتب ذیل قابل بررسی است:

۱- تشخیص ضرورت بازنگری

زامداران کشور هر یک اجرای قسمتی از اصول قانون اساسی را بر عهده دارند و هم آنان به هنگام اجرا دراصل قادر به کشف نقاط قوت و ضعف آن هستند و نیز به لحاظ مباشرت در اجرای امور قادر به تشخیص کاستی‌ها و نیازها خواهند بود. تعدد مراکز قدرت زمامداری و تفکیک قوای سه‌گانه به گونه‌ای است که ضرورت تشخیص را به مقامات متعددی مرتبط می‌سازد. اما در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مقام رهبری، ولایت و اشراف بر کل نهادهای سیاسی و اداری و قضایی جامعه را برعهده دارد. و از طریق همین اشراف است که وی با وقوف به مراتب کاستی و جمع‌آوری دلایل لازم، مبادرت به امر بازنگری می‌کند.^{۵۸} بر همین اساس صدر اصل یکصد و هفتاد و هفتم، تشخیص ضرورت بازنگری را بر عهده مقام رهبری گذاشته است که البته پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام مبادرت به چنین کاری می‌نماید. با توجه به موارد مذکور، ابتکار عمل در بازنگری قانون اساسی تنها در دست مقام رهبری است و قوای سه‌گانه، و خود مردم، به طور مستقیم نمی‌توانند به

^{۵۸} - هاشمی، محمد، بررسی تطبیقی و موضوعی بازنگری قانون اساسی ایران، مجله تحقیقات حقوقی، دانشگاه شهید

بهشتی، دانشکده حقوق. شماره ۸، پاییز و زمستان ۱۳۶۹، صص ۱۷۷ و ۱۷۸.

چنین کاری مبادرت ورزند. همچنین تشخیص این که چه مواردی مورد بازنگری قرار گیرند نیز توسط خود رهبر معین می شود.

۲- تصویب مردم

بازنگری پس از طی پروسه قانونی خود و تأیید و امضای مقام رهبری، مطابق قسمت اخیر اصل یکصد و هفتاد و هفتم، «باید از طریق مراجعه به آرای عمومی به تصویب اکثریت مطلق شرکت کنندگان در همه پرسی برسد».

تنها در این مرحله است که اراده مستقیم مردم، در بازنگری قانون اساسی دخالت داده می شود که البته اکثراً رأی مردم می تواند مثبت باشد.

در واقع نقش مردم در بازنگری قانون اساسی بسیار کم است و صرفاً با آری یا نه گفتن در این امر مشارکت می کنند که شایسته است با توجه به دگرگونی قرون جدید و بالا رفتن رشد و شعور سیاسی، مردم بتوانند به صورت تحلیلی آری یا نه بگویند^{۵۹} تا میثاق ملی از گزند تصمیم های اقتدارگرایانه و تحدید کننده آزادی های مردم مصون بماند.

۳- عدم رعایت ذیل اصل ۵۹ در مورد همه پرسی بازنگری در قانون اساسی

در قسمت اخیر اصل یکصد و هفتاد و هفتم آمده است: «رعایت ذیل اصل پنجاه و نهم در مورد همه پرسی بازنگری در قانون اساسی لازم نیست».

اصل پنجاه و نهم قانون اساسی مقرر می دارد: «در مسایل بسیار مهم اقتصادی، سیاسی، و فرهنگی ممکن است اعمال قوه مقننه از راه همه پرسی و مراجعه مستقیم به آرای مردم صورت گیرد. درخواست مراجعه به آرای عمومی باید به تصویب دو سوم مجموع نمایندگان مجلس برسد».

در این مورد می توان گفت که اصل پنجاه و نهم به همه پرسی تقنینی می پردازد که از صلاحیتهای مقامات صالح ارایه لوایح و طرحهای قانونی می باشد و لذا درخواست آنان است که باید به تصویب دو سوم نمایندگان مجلس برسد. هم چنان که در سلسله مراتب مقامات، رهبر بر قوه مقننه نظارت و

^{۵۹}- هاشمی، محمد، قانون اساسی و حاکمیت مردم، نشریه حقوق اساسی، سال دوم، شماره سوم، زمستان ۱۳۸۳، ص ۳۳۱.

اشراف دارد،^{۲۰} بدیهی است موضوع فرمان همه‌پرسی از سوی وی را نمی‌توان «درخواست» تلقی کرد که مورد بررسی و تصویب مجلس قرار گیرد.^{۲۱}

بند سوم - نظارت شورای نگهبان بر امر همه‌پرسی

مطابق اصل نود و نهم قانون اساسی، «شورای نگهبان نظارت بر انتخابات مجلس خبرگان رهبری، ریاست جمهوری، مجلس شورای اسلامی و مراجعه به آرای عمومی و همه‌پرسی را بر عهده دارد». بر اساس اصل مذکور، شورای نگهبان هم چنان که بر انتخابات نظارت می‌کند بر جریان همه‌پرسی نیز نظارت خواهد کرد تا از سوء جریان و تخلف جلوگیری شود. نحوه نظارت شورای نگهبان بر جریان همه‌پرسی، در ماده ۳۷ قانون همه‌پرسی در جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۷/۴/۶ مجلس شورای اسلامی چنین مقرر شده است: «شورای نگهبان طبق قانون نظارت بر انتخابات ریاست جمهوری بر همه‌پرسی نظارت خواهد کرد».

قانون نظارت شورای نگهبان بر انتخابات ریاست جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۴/۴/۴، در ماده ۲، تعیین هیأت مرکزی نظارت را مقرر کرده و در ماده ۴ اعلام می‌دارد: «هیأت مرکزی نظارت، بر کلیه مراحل انتخابات و جریانهای انتخاباتی و اقدامات وزارت کشور و هیأت‌های اجرایی که در انتخابات مؤثر است و آنچه مربوط به صحت انتخابات می‌شود نظارت خواهد کرد». همچنین هیأت مذکور ناظر یا ناظران را برای هر شهرستان معرفی می‌کند.

بر این اساس شورای نگهبان در نظارت بر همه‌پرسی نیز به تعیین هیأت مرکزی نظارت و ناظرانی، می‌پردازد و سپس مطابق آنچه که ماده ۲۷ قانون همه‌پرسی در جمهوری اسلامی ایران، مقرر می‌دارد، ظرف یک هفته و در صورت ضرورت حداکثر ده روز پس از دریافت نتیجه همه‌پرسی نظر خود را جهت امضاء به رئیس جمهور ارسال می‌کند.

بند چهارم - امضای همه‌پرسی

برابر اصل یکصد و بیست و سوم قانون اساسی، «رئیس جمهور موظف است مصوبات مجلس یا نتیجه همه‌پرسی را پس از طی مراحل قانونی و ابلاغ به وی امضاء کند و برای اجرا در اختیار مسئولان بگذارد».

^{۲۰}- اصل پنجاه و هفتم قانون اساسی.

^{۲۱}- هاشمی، محمد، بررسی تطبیقی و موضوعی بازنگری قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، همان.

به نظر می‌رسد، امضای مصوبات مجلس یا نتیجه همه‌پرسی از سوی رییس جمهور، به عنوان رییس قوه مجریه، در جهت اجرای آن می‌باشد.^{۶۲}

در همین راستا ماده ۲۷ قانون همه‌پرسی در جمهوری اسلامی ایران، مقرر می‌دارد:

«شورای نگهبان ظرف یک هفته و در صورت ضرورت حداکثر ده روز پس از دریافت نتیجه همه‌پرسی نظر خود را جهت امضاء به رییس جمهور ارسال نموده و رییس جمهور پس از امضاء به وزارت کشور اعلام و وزارت کشور از طریق رسانه‌های گروهی نتیجه را به اطلاع مردم خواهد رساند.» در مورد امضای مصوبات مجلس و نتیجه همه‌پرسی ماده ۱ اصلاحی ۱۳۷۰/۸/۱۴ قانون مدنی چنین مقرر می‌کند: «مصوبات مجلس شورای اسلامی و نتیجه همه‌پرسی پس از طی مراحل قانونی به رییس جمهور ابلاغ می‌شود. رییس جمهور باید ظرف مدت پنج روز آن را امضا و به مجریان ابلاغ نماید و دستور انتشار آن را صادر کند و روزنامه رسمی موظف است ظرف مدت ۷۲ ساعت پس از ابلاغ منتشر نماید.»

تبصره- «در صورت استتکاف رییس جمهور از امضا یا ابلاغ در مدت مذکور در این ماده، به دستور رییس مجلس شورای اسلامی، روزنامه رسمی موظف است ظرف مدت ۷۲ ساعت مصوبه را چاپ و منتشر نماید.»

بنابراین علاوه بر این که رییس جمهور مطابق ماده ۲۷ قانون همه‌پرسی، نتیجه همه‌پرسی را امضا و سپس به وزارت کشور اعلام می‌کند تا از طریق رسانه‌های گروهی به اطلاع مردم برسد، مطابق ماده ۱ قانون مدنی نتیجه همه‌پرسی پس از امضاء برای اجرا به مجریان ابلاغ می‌شود و همچنین دستور انتشار آن در روزنامه رسمی داده می‌شود.

بند پنجم - ممنوعیت انجام همه‌پرسی

اصل یکصد و سی و دوم قانون اساسی مقرر می‌دارد: «در مدتی که اختیارات و مسئولیتهای رییس جمهور بر عهده معاون اول یا فرد دیگری است که به موجب اصل یکصد و سی و یکم منصوب می‌گردد، وزرا را نمی‌توان استیضاح کرد، یا به آنان رأی عدم اعتماد داد و نیز نمی‌توان برای تجدید نظر در قانون اساسی و یا امر همه‌پرسی اقدام نمود.»

اصل یکصد و سی و یک، ناظر به مواردی است مثل فوت، عزل، استعفا، غیبت یا بیماری بیش از دو ماه رییس جمهور یا مواردی که مدت ریاست جمهوری پایان یافته و رییس جمهور جدید بر اثر

^{۶۲} - هاشمی، محمد، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، ج ۲، همان، ص ۱۸۹.

موانعی هنوز انتخاب نشده و یا امور دیگری از این قبیل که در این صورت معاون اول رییس جمهور با موافقت رهبری، اختیارات و مسئولیتهای وی را بر عهده می‌گیرد تا حداکثر ظرف مدت پنجاه روز رییس جمهور جدید انتخاب شود.

بنابر صریح اصلی یکصدوسی و دوم، در این گونه مواقع، نمی‌توان برای همه‌پرسی اقدام کرد. علت ممنوع بودن انجام همه‌پرسی در دوره کفالت ریاست جمهوری به نظر می‌رسد این باشد که همه‌پرسی از جمله اموری است که در مدت کوتاه کفالت، انجام آن ضروری نمی‌باشد. از طرف دیگر در این مدت جامعه در التهاب تعیین رییس جمهور جدید به سر می‌برد و اوضاع، حالت عادی لازم را برای انجام همه‌پرسی نخواهد داشت.^{۳۳}

درباره شرایط مشابه در مورد رهبر که در اصل یکصد و یازدهم قانون اساسی پیش‌بینی شده‌اند از قبیل فوت یا کناره‌گیری، عزل رهبر، یا ناتوانی موقتی بر اثر بیماری یا حادثه دیگر که شورایی مرکب از رییس جمهور، رییس قوه قضاییه و یکی از فقهای شورای نگهبان به انتخاب مجمع تشخیص مصلحت نظام، همه وظایف رهبری را به طور موقت بر عهده می‌گیرند، وضع به گونه دیگری است. در این قبیل موارد شورای مذکور می‌تواند پس از تصویب سه چهارم اعضای مجمع تشخیص مصلحت نظام، به عنوان یکی از وظایف و اختیارات رهبر به صدور فرمان همه‌پرسی بپردازد.

لازم به ذکر است که در امر همه‌پرسی، در مورد دوره کفالت رییس جمهور شرایط سخت‌تری نسبت به وضعیت مشابه در مورد رهبری پیش‌بینی شده است. حال آن که رهبر در وضعیت خطیرتری از رییس جمهور قرار دارد و پس از مقام رهبری رییس جمهور عالیترین مقام رسمی کشور است.^{۳۴} لذا در این زمینه، قانون اساسی، قابل ایراد به نظر می‌رسد، بویژه این که همه‌پرسی موضوع وظایف و اختیارات رهبری شامل همه‌پرسی بازنگری در قانون اساسی است و همین واگذاری اختیار به شورای موقت همزمان با وضعیت سیاسی ملتهب ناشی از فقدان رهبری و جو آشفته حاکم بر افکار عمومی، می‌تواند موجب آسیب نظام سیاسی کشور شود.

^{۳۳} - همان، ص ۳۵۱.

^{۳۴} - اصل یکصد و سیزدهم قانون اساسی.

نتیجه

در کشورهایی که دموکراسی را با هر درجه‌ای از آن پذیرفته‌اند، با وجود ایرادات و معایبی که می‌شمارند، برای دخالت دادن بیشتر خواست و اراده مردم، از شیوه‌ها و ابزارهای اعمال دموکراسی مستقیم استفاده می‌شود، روشهایی که مردم بواسطه آنها خود بطور مستقیم سرنوشت عمومی خویش را رقم می‌زنند. این قبیل موارد که اکثراً عواقب حقوقی دارند به طور سنتی سه دسته هستند که عبارتند از: **رفراندوم (همه‌پرسی)**، **ابتکار عام و بازخوانی** که در کشورهای مختلف بسته به اصول حاکم بر نظام سیاسی آنها و عرف و عادات آن جامعه اعمال می‌شوند.

در جمهوری اسلامی ایران که شکل جمهوری را برای آرمانها و اهداف اسلامی برگزیده، شکل جمهوری، روی آوردن به روشهای مختلف اعمال دموکراسی را طلب می‌کند که از جمله آنها اعمال مستقیم خواست مردم در شرایط و موقعیتهای خاص می‌باشد. لیکن در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تنها یک وسیله اعمال دموکراسی مستقیم به چشم می‌خورد که آن هم، **رفراندوم** می‌باشد. رفراندوم براساس قانون اساسی تنها در شرایط و موقعیتهای خاصی، بسته به اینکه رفراندوم تقنینی باشد یا اساسی، اعمال می‌شود. لیکن با همه ایرادات و مشکلات، ویژگی بارز اینها در این است که همیشه آغاز کننده آن حکومت می‌باشد (رهبر، رئیس جمهور و نمایندگان مجلس) و برای مردم به عنوان طراح رفراندوم، نقشی قابل نشده‌اند و مردم فقط از طریق بله یا خیر گفتن، تأیید کننده یا رد کننده آن محسوب می‌شوند.